

بمان

www.ketab.ir

رضا شاعری

سرشناسه - ۱۳۹۴  
 خانم و نام پندارور : ملکه هنری، رضا شاهی  
 ملکه هنری فریادی قدر و لایت : ملکه هنری  
 موسیه ۹۱۰۷ / ۱۰۰۶ : شیخ  
 ۹۷ - ۴۹۵-۷۲ : دیویٹ فرست نویس  
 کتاب : پدالنات  
 سال : موضع  
 ۱۳۸۱-۱۳۸۵ - موستو و اشنهان - خاترات : موضع  
 Soleimanl, Qasem - Bend - social : موضع  
 دامستانیان سرمه : موضع  
 ۱۴ - ۲۰th century : موضع  
 هنری فریادی : شنیده از رو  
 PIR ۴۷۹ : زده بود آنکه  
 ۲ : آغاز  
 ۷۷۷۷۷ : زده بود اذون  
 ۷۷۷۷۷ : شدن کاچشیشی من  
 ملاقات ریکر لایشنس : فیما

شاهی، رضا - ۱۳۹۴  
 ملکه هنری، رضا شاهی  
 ملکه هنری فریادی قدر و لایت، ۱۳۹۴  
 موسیه ۹۱۰۷ / ۱۰۰۶  
 ۹۷ - ۴۹۵-۷۲

خاترات سه نفر از هر زمان همچ قسم میباشی است که توسط رضا شاهی به شکل داستان نوشته شده است.



**نام کتاب: میهمان حبیب / نویسنده: رضا شاعری / طراح گرافیک: گروه طراحان ۴میخ / چاپ: دوم - ۱۴۰۳ / شماره: ۱۰۰۰ جلد / چاپ و صحافی: عفری - صداقت / شابک جلد: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۷۲۰-۸ / قیمت: ۶۰ هزار تومان**

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است

باذن الله ...

تلخند افسونگر کدام نسلی؟

جنگ با ما چه کرد که سال‌ها سپری می‌نمود هنوز هنگامی که به چهره‌ی بازماندگان از جنگ می‌نگریم یاد و خاطره‌ی روان را برایمان زنده می‌شود که عشق و ایمان از جنگی تحمیلی دفاعی مقدس ساخته و چه زیبا گفت آن فرماندهی شهید<sup>۱</sup> که «ما با آنهایی کار داریم که رهرو عشقند».

هنوز بسیاری از مادران شهدای جاوید چشم انتظارند تا شاید نشانی و پلاکی و استخوانی از جوانی رعنای را برایشان به ارمغان آورند. هنوز مادر شهیدی که سی و پنج سال چشم به در سپید کرده در باره اسماعیل ذیبحش می‌گوید: «خودش در خواب به من گفت: مادرجان پیکر من بازنمی‌گردد خودت را به زحم نیندازی‌ها».

۱ سردار شهید مجیدپاژوک فرمانده تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول الله «ص»

دفاع مقدس ویژگی‌هایی دارد که باید بررسی شود و خاطرات ناگفته‌ای دارد که باید از سینه‌ی یارانش چون گنجی گران‌بها بیرون کشیده و غیرت و عزت و دفاع از شرف این مرزو بوم را به زیباترین گونه تبیین کرد، باید گفت و نوشت که چه انسان‌هایی از دل این رازها و شوق لحظات ناب پدید آمدند. فرشته خویانی که با خنوص و نیت قُربةٰ إِلَى اللَّهِ رَاه جهاد را پیشه کردند و در منزلگاه صدق نزد خدا نداشتند. یکی از آن جان‌های پاک سرباز وطن و سردار دل‌ها «سپهبد مهد حاج قاسم سلیمانی»، روستایی زاده‌ای است که خود در جایی گفته بود: «منی انقلاب شد، من توی جنگ نه درجه داشتم، نه حاجی بودم، نه طایفه بزرگی داشتم، نه پارتی داشتم، نه سردار بودم، اما یاد ندارم یک نمونه‌ای تمزد کرده باشم.»

وقتی شهادت او همچون دانه‌های باران گرد و بارها را شست، فهمیدم آنچه به عزت آدمی میان ملت‌ها منتهی می‌شود، روحیه‌ی جاهدانه و زیست مومنانه است.

بی گمان یکی از اتفاق‌های خوب این ایام، مصاحبت با دوستان مردی است که حبیب خدا بود و حبیب مردم... اصلاً حبیب سیدالشہدا (ع) که باشی حبیب خدا و خلق خدا هم می‌شوی. اصلاً، نام و نشان لشکر ۴۱ ثارالله و نام جهادی حبیب هم انگاری‌بی‌ربط به این خلق و خوی آسمانی نیست...

آن مجاهد نیکو خصال و یاران شهیدش با مرگ خونین شان در سرزمین

نینوا و در بامداد فیروزه‌ای سیزدهم دی ماه ۹۸، تصویر و روایت دیگری از رویارویی حق و باطل که نبرد همیشه‌ی تاریخ است، به نمایش گذاشتند. از یاران او بسیار شنیدم که با دوستان بسیار اهل تواضع، فروتنی و رفق و مدارا بود. یاد آن برش از کتاب قیدار افتادم که نوشته بود، «از زیارت نامه‌ی ارباب وانی سنه من سالمکماش این چنین بر می‌آید که پروردگار عالم رفیق بازها را بیشتر دوست هی دارد».

در پایان از زحمات انساد حمد علی گودینی و برادر ارزشمند ابوالفضل حسینی برای خوانش و ویراشت از رو مجموعه‌ی محترم و وزین قدر ولایت که چاپ این اثر را بر عهده گرفتند، «ب تشکر و سپاسگزاری را به جای می‌آورم. برش اول این روایت داستانی برگرفته از ارات سردار حاج مرتضی حاج باقری دوست و همزم چهل ساله‌ی حاج قاسم».

بخش دوم خاطرات کاپیتان حاج مصطفی عرب‌نژاد جیش، سوم این کتاب، خاطراتی از سردار حاج کمیل کهن‌سال، سردار عبدالحسین رحیمی و روایت آزادسازی بوکمال توسط برادر عزیزم آقا سید حسن که مترجم عربی فرماندهان و نیروهای مقاومت بود، نقل شده و اینجانب در حد توان آن خاطرات را به تصویر کشیده‌ام.